



مسجد صاحب‌الزمان (عج)، شهریار، تهران

کودک و مسجد

حسن رهبری
کارشناس ارشد مدیریت

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
رتال جامع علوم انسانی

طبق این نظریه، کودکان آن چیزی می‌شوند، که والدین از آنان می‌سازند. در حقیقت والدین، آموزگاران و دیگران، به اندیشه و رفتار کودک سازمان می‌دهند [ویلیام، ۱۳۷۳].

طبق این تفکر، «دوران کودکی بقدری حساس است که اگر از فرصت آن استفاده نشود و طفل ساخته و پرداخته نشود، امکان بازسازی او هیچگاه چون اول مقدر نتواند بود. و در بسیاری از موارد، دوباره سازی او امری قریب به محال است. در حدود ۳ تا ۶ سالگی، رشد کودک بسیار سریع است. و در همین دوره بحرانی رشد است که می‌توان به پرورش شخصیت او همت گماشت، عادات نیکو و ضروری را در او ایجاد کرد، و او را به رعایت اصول و مقررات زندگی فردی و اجتماعی وادار نمود» [قائمی امیری، خانواده و تربیت کودک، ۳۵۰].

آنجا که از تعلیم و تربیت نسل نو و ساختار بنیه فرهنگی جوانان سخن در میان است، بالطبع آمادگی‌های روحی آنان در دوران کودکی، در صفحه تحقیق دانشمندان علوم تربیتی و روان‌شناسان نقش می‌بندد.

دوران کودکی انسان نسبت به دیگر حیوانات، طولانی‌تر و حساس‌تر است. کودک به مراتب، بیشتر از دیگر حیوانات به مراقبت و پرستاری والدین نیاز دارد.

هرچند روان‌شناسان در باب تعلیم و تربیت کودک دیدگاهها و فرضیه‌های سه‌گانه‌ای دارند و به پیروان: «فرضیه یادگیری»، «رشدگرایان» و «روان‌شناسان نوین انسان‌گرایانه» تقسیم می‌شوند، اما وجه غالب با پیروان «فرضیه یادگیری» است. این فرضیه، دیدگاه منطقی‌تری دارد، و بسیاری از پیروان دیگر فرضیه‌ها هم در این دیدگاه شریکند.

اسلامی و عادات نیکوی فردی و اجتماعی - همین دوران کودکی او است. کودک در چنین مرحله‌ای، آمادگی پذیرش هرگونه اخلاق، آداب و عادات را به راحت‌ترین وجه دارد.

راسل می‌گوید: «سرعتی که طفل شیرخوار در کسب عادت به کار می‌برد، شگفت‌آور است. کسب هرگونه عادت بد، سدی در برابر کسب عادات خوب در اوایل کودکی خواهد بود. به همین جهت، تکوین عادت در اوایل کودکی، بسیار مهم به شمار می‌رود؛ چه اگر عاداتی اولی نیک باشد، در آینده از تشویق‌های بی‌پایان نجات خواهیم یافت. به علاوه، عادت‌هایی که در آغاز عمر کسب می‌شوند، در دوره‌های بعدی زندگی پایدار می‌مانند و همانند غرایز، مؤثر و مسلط خواهند بود. و عادات منافی با آنها که بعدها کسب می‌شوند، ممکن نیست به آن درجه از تأثیر و تسلط برسند. از این رو، عادات نخستین باید مورد توجه کامل قرار گیرند» [فلسفی، اخلاق، ج ۱، ۲۷۷].

انجام دادن مداوم تکالیف دینی و برخی از اعمال عبادی در اسلام بویژه نماز، به تمرین در دوران کودکی نیاز دارد، تا پس از طی مراحل



رشد جسمانی و رسیدن به حد بلوغ، در برگزاری آن احساس سنگینی و مسامحت بیجا به وجود نیاید و احیاناً به ترک آن منجر نشود. در روایتی از امام صادق (ع)، به نقل از پدر بزرگوارش، چنین نقل شده است: «کان علی بن الحسین (ع) یأمر الصبیان ان یصلوا المغرب و العشاء جمیعاً و الظهر والعصر جمیعاً فیقال له یصلون فی غیر وقتها، فیقول هو خیر من ان یناموا فیها» (حضرت امام زین العابدین (ع) همواره بچه‌ها را به برگزاری نماز مغرب و عشا، و ظهر و عصر، فرمان می‌دادند. به حضرت گفته می‌شود که بچه‌ها نماز را در غیر وقت آن می‌خوانند. پس ایشان می‌فرمایند: آن بهتر از این است که در وقتش بخوابند) [نوری، مستدرک الوسائل، ج ۳، ۱۹].

مراد امام این است که آنان تکلیفی در این خصوص ندارند، بلکه منظور عادت و تمرین دادن آنان به نماز و رفع احساس سنگینی نسبت به نماز است. از جمله قوانین سودمندی که دانشمندان تعلیم و تربیت به آن رسیده‌اند، «قانون ممارست و تکرار» و «قانون تشویق» است. ثورندیک «Thorandike» متوجه اهمیت این قانون شد که اعاده و تکرار هر امری، به حفظ آن منجر می‌گردد. و به عکس، اهمال در تکرار، موجب فراموشی و نسیان خواهد بود [حجتی، اسلام و تعلیم و

سعدی در این باره، چنین سروده است (سعدی، گلستان، باب تعلیم و تربیت):

هرکه در خریدش ادب نکنند

در بزرگی فلاح از او برخاست

چوب تر را چنانکه خواهی پیچ

نشود خشک، جز به آتش راست

حتی روسو قدم فراتر نهاده و معتقد است که تکوین عادات در کودک، بلافاصله پس از تولد او آغاز می‌شود. وی می‌گوید: «تکرار می‌کنم، تربیت آدمی از زمان تولد او شروع می‌شود. قبل از سخن گفتن و شنیدن، به یاد گرفتن مشغول است، تجربه و آزمایش درسها را پیش بینی می‌کند. همان دقیقه که دایه خود را می‌شناسد، در حقیقت خیلی تحصیل کرده است. اگر ترقی انسان را - هر قدر هم که خرفت باشد - از حین ولادت تا آنجا که رسیده تعقیب نمایید، از معلومات او متحیر خواهید شد» [حجتی، اسلام و تعلیم و تربیت، ج ۱، ۲۶۴].

دکتر الکسیس کارل، فیزیولوژیست، جراح و زیست‌شناس معروف فرانسوی، بر این باور است: «برای آنکه تعلیم و تربیت مفید افتد، باید خیلی زودتر از آنچه عموماً امروز می‌کنند، شروع شود. یعنی، از هفته‌های اول بعد از تولد، ابتدا باید به مسائل فیزیولوژیکی منحصر شود، و بعد از سال اول به مسائل روانی توجه شود. ارزش زمان برای کودک و پدر و مادرش یکسان نیست. یک روز در یک سالگی، خیلی طولانی‌تر از یک روز در ۳۰ سالگی است. و شاید، شش برابر حوادث فیزیولوژیکی و روانی را شامل است. بنابراین، نباید چنین دوران پرمایه کودکی را بدون کشت گذاشت. محتملاً، در طول ۶ سال اول زندگی، نتیجه اجرای مقررات زندگی قطعی‌تر است» [کارل، راه و رسم زندگی، ۱۱۸].

اما بر خلاف معتقدات روان‌شناسان غربی، که تربیت کودک را از هفته‌های اول بعد از تولد می‌دانند، دیدگاه اسلامی آن را خیلی جلوتر و حتی به دوران قبل از انعقاد نطفه در رحم مادر مرتبط می‌شناسد. بر این اساس، بیانات پیشوایان دین مبین اسلام، مشحون از دستورها و مقررات خاصی است که هم درباره آداب نکاح و مجامعت تذکراتی داده و هم به تأثیر آن دستورها در شکل‌بندی بهداشت جسمی و روان کودک، چه در شکم مادر و چه بعد از تولد، تأکید کرده است. باید دانست که اسلام در باب تعلیم و تربیت، فراتر از دیگران اندیشیده است، بر این دیدگاه پا می‌فشارد که: «السعید من سعد فی بطن امه، والشقی من شقی فی بطن امه» (نیکبخت کسی است که در رحم مادر به نیکبختی رسیده است، و بدبخت کسی است که در شکم مادر به بدبختی رسیده است) [محمدری شهری، میزان الحکمة، ج ۵، ۱۲۹].

بنابراین، باید در نظر داشت که برای مسجدی بار آوردن کودک و اهل نماز کردن او، والدین به طی چنین مسیری نیاز دارند؛ زیرا کارآمدترین و پربازده‌ترین مرحله پرورش کودک - مطابق با اخلاق

این قانون، همان سخنی است که مولی‌الموحدين حضرت علی(ع) در جماعات کوتاه خود، ۱۴۰۰ سال قبل فرمودند: «العادة طبع ثان» (عادت، سرشت دوم است) [آمدی، تصنیف غررالاحکم و دررالکلم، ۳۲۲].

«للعادة علی کل انسان سلطان» (عادت برای انسانها به منزله پادشاه و فرمانرواست) [آمدی، تصنیف غررالاحکم و دررالکلم، ۳۲۲].
«الفضيلة غلبة العادة» (فضیلت نتیجه پیروزی بر عادت است) [آمدی، تصنیف غررالاحکم و دررالکلم، ۳۲۲]

با اهتمام و التفات به نقش عادات در زندگی معنوی آینده کودکان است که ما همواره خواهیم توانست فرزندان خود را به شاهراههای اسلامی هدایت کنیم، و آنان را از کج رویها و افتادن به دست اندازهای جاده ای رهایی بخشیم. آنگاه، راهزنان فریبنده و مهاجمان با فضولات فرهنگی، یارای مقاومت با ایمان و اعتقاد راسخ آنان را نخواهند داشت. اکنون، بجاست این سئوال مطرح شود: «با توجه به اهمیت



مسجد ابوزر، تهران

عادتدهی کودکان به مساجد، آیا اسلام در قبال مسجدروی کودکان چه دیدگاهی دارد؟

در جواب این سئوال، باید گفت که در نگاهی به احادیث و روایات وارده، با پاسخهای دوگانه ای مواجه می شویم:
۱. احادیثی که ورود کودکان را به مسجد مکروه می شمارد.
۲. احادیثی که دلیل بر جواز حضور کودکان در مسجد، و تشویق بدان امر است.

در دو سه حدیثی که به طرق مختلف در باب کراهیت حضور کودکان در مساجد وارد شده است، صرف نظر از اینکه تقدم و تأخیری در کلمات آنها مشاهده می شود، چنین است: «جنبوا مساجدکم مجانینکم و صبیانکم» (حضرت رسول اکرم(ص) می فرمایند: از مساجدتان دیوانگان و کودکان خود را دور نگه دارید) [نوری، مستدرک الوسائل، ج ۱، ۲۳۰].

البته، شماری از علما و اهل سنت از این حدیث، حکم عدم جواز ورود کودک را به مسجد استنباط کرده، و بدان فتوی داده اند. قابسی از مالک نقل می کند: «اگر کودک در سنین بازی و شیطنت است، من ورود او را به مسجد جایز نمی دانم» [داغ، تاریخ تعلیم و تربیت

اما در مقابل این حدیث، ما در ماخذ دینی شاهدیم که پیامبر(ص) و اصحاب، بچه های خود را به مسجد می آوردند. نه تنها بچه های سه چهار ساله، بلکه زنان اصحاب با بچه های شیرخوار خود، در نمازهای جماعت حاضر می شدند.

روایات نشان نمی دهند که پیامبر رحمت(ص) حتی در یک مورد، بر آنان یا بر والدین آنان نهیب زده یا به آوردن بچه هایشان به مسجد اعتراض کرده باشند. بلکه برعکس، عکس العملهایی که حاکی از تشویق و رضایت است، از جانب آن حضرت مشاهده می شد.

ابن عمر درباره پیامبر(ص) چنین می گوید: «رایت رسول الله(ص) علی المنبر یخطب الناس، فخرج الحسن فغثر، فسقط علی وجهه، فنزل علی المنبر یرید اخذه، فاخذہ الناس فأثوا به، قال قاتل الله الشيطان: ان الولد فتنه و الله ما علمت انی نزلت من المنبر حتی اتیت به» (رسول خدا(ص) را دیدم که در منبر برای مردم سخنرانی می کردند [امام] حسن(ع) در خروج از مسجد پایش لیز خورد و به زمین افتاد. حضرت از منبر پایین آمد. تا او را بگیرد. مردم او را گرفتند و به ایشان دادند. حضرت(ص) فرمودند: خدا شیطان را بکشد. واقعاً فرزند موجب آزمایش است. به خدا قسم، هیچ متوجه پایین آمدن از منبر نشدم، تا اینکه او به من رسانده شد) [هندی، کنز العمال، ج ۱۶، ۲۸۹].

گاهی، پیغمبر(ص) در حال سجده بودند، که امام حسن(ع) می آمدند و بر پشت پیامبر(ص) می نشستند. پیغمبر(ص) به همان حال می ماندند و سجده را طول می دادند [شریف قرشی، زندگانی حسن بن علی(ع)، ج ۱، ۶۸].

شبی پیامبر(ص) نماز عشاء می گذاشتند و سجده ای بسیار دراز به جا آوردند. پس از پایان نماز، علت را از ایشان پرسیدند، پیامبر(ص) فرمودند: پسرم حسن، بر پشتم سوار بود، و ناراحت بودم که پیاده اش کنم [شریف قرشی، زندگانی حسن بن علی(ع)، ج ۱، ۶۸].

حتی ابوقناده انصاری روایتی که حاکی از نهایت توجه پیامبر(ص) به کودکان در اثنای نماز است، نقل می کند که شاید برای ما غیرمنتظره بنماید. و در صورت صحت روایت، ممکن است آن را مغایر با اصل حضور قلب در نماز تلقی بنماییم. او چنین می گوید: «ان رسول الله(ص) کان یصلی و هو حامل امامه بنت زینب بنت رسول الله(ص) و لابی العاص بن ربیعہ بن عبد شمس، فاذا سجد وضعها و اذا قام حملها» (همانا رسول خدا(ص) در حالی که نماز می خواندند امامه، دختر زینب دختر پیامبر(ص) و همسر ابی العاص، را در بغل می گرفتند و هنگام سجده، او را زمین می گذاشتند و در قیام، او را برمی داشتند) [عبدالباقی، اللؤلؤ و المرجان، ج ۱، ۱۰۹].

دو روایت دیگر که بر حضور کودکان شیرخوار و خردسال در مسجد دلالت می کند، جالب توجه است. صاحب مستدرک الوسائل، از کتاب عدة الداعی چنین نقل می کند: «صلی رسول الله(ص) بالناس یوماً فخفف فی الرکعتین، فلما انصرف قال له الناس یا رسول الله رأیناک خففت هل حدث فی الصلاة؟ قال: و ما ذاک، قالوا خففت فی الرکعتین الاخرتین، فقال او ما سمعتم صراخ الصبی، و فی حدیث آخر: خشیت ان یشتغل به خاطر ابیه» (روزی رسول خدا(ص) با مردم نماز می گزاردند که دو رکعت آخر را

طبق نظر فقیه بزرگوار شهید ثانی (ره): «مراد، کودکانی است که به طهارت آنان اعتمادی نیست یا اینکه خوب و بد را تشخیص نمی دهند. اما بچه ممیزی که طهارت او مورد وثوق است و خودش نیز بر نمازها مواظبت می نماید، کراهیتی بر آن متوجه نیست، بلکه سزاوار است او را به آمدن مسجد تمرین داد؛ همچنانکه لازم است برای نماز تمرین و عادت داده شود» [عاملی، الروضة البهیة، ج ۱، ۹۶].

آیت الله شهید مطهری، در یکی از گفتارهای خود در توضیح آیه: «وَأْمُرْ أَهْلَكَ بِالصَّلَاةِ وَاصْطَبِرْ عَلَيْهَا» [طه/۵۵] (اهلت را به نماز دستور بده و بر نماز صبر کن)، چنین بیان می کند: «... بچه ها را از کودکی باید به نماز تمرین داد... بچه را باید در محیط مشوق نماز خواندن، برد. این به تجربه ثابت شده است که اگر بچه به مسجد نرود، اگر در جمع نباشد، نماز خواندن جمع را نبیند، به این کار تشویق نمی شود؛ چون اصلاً حضور در جمع، مشوق انسان است. آدم بزرگ هم وقتی خودش را در جمع اهل عبادت می بیند، روح عبادت بیشتری پیدا



مسجد جعفری، قیصریه تهران

می کند؛ بچه که دیگر بیشتر تحت تأثیر است... باید با بچه های خودمان، برنامه مسجد رفتن داشته باشیم، تا بچه ها با مساجد و معابد آشنا بشوند. ما خودمان که از بچگی با مساجد و معابد آشنا بودیم، در این اوضاع و احوال امروز چقدر به مسجد می رویم، که بچه های ما که هفت ساله شده اند به دبستان و بعد به دبیرستان و بعد به دانشگاه رفته اند ولی اصلاً پایشان به مساجد نرسیده است، بروند؟ خوب، اینها قهراً از مساجد فراری می شوند. حالا، ممکن است بگویید وضع مساجد خراب است، کثیف است، یا مثلاً یک روضه خوان می آید و حرف چنان و چنین می زند. آنها را هم وظیفه داریم که درست بکنیم، وظیفه که در یکجا تمام نمی شود. وضع مساجد خودمان را هم باید اصلاح بکنیم» [مطهری، گفتارهای معنوی، ۹۴].

از طرفی دیگر باید به این نکته ظریف توجه داشت که منع بچه از مسجد، با منع مادر او از مسجد نیز ارتباط تنگاتنگی دارد. مادران که معمولاً مسئولیت پرستاری و تربیت فرزندان را بیشتر از پدران به عهده دارند، در مراعات چنین امری، سالیانی را محکوم به خانه نشینی و محرومیت از مساجد الهی خواهند بود. مادران با این فرض، باید به جرم مادر بودن و پرستاری حداقل سه فرزند، ۱۰ تا ۱۲ سال از حضور در پایگاههای عظیم فکری و معنوی اجتناب کنند، و در نهایت به آموخته های بیات خانه پدری و آموزشهای فراموش شده و منسوخ دوران تحصیلی قناعت نمایند. بدیهی است، چنین برداشتی

سبکتر کردند. پس از اتمام نماز، مردم گفتند: یا رسول الله، متوجه سبک کردن نماز شدیم. آیا اتفاقی در نماز روی داد. فرمودند: چطور مگر؟ گفتند: دو رکعت آخر را سبک برگزار کردید. فرمودند: آیا صدای گریه بچه را نشنیدید؟ و در حدیث دیگری هست که فرمودند: ترسیدم فکر پدرش بدان مشغول شود» [نوری، مستدرک الوسائل، ج ۶، ۵۰۳].

رسول خدا (ص) در حدیث دیگری نیز می فرمایند: «انی لاقوم الی الصلوة ارید ان اطول فیها فاسمع بکاء الصبی فاتجوز فی صلاتی کراهیه ان اشق علی امه» (من به نماز می ایستم و می خواهم تا آن را طولانی سازم. پس، گریه کودکی را می شنوم. و چون خوش نمی دارم که بر مادر او سخت گیری کنم، نماز را سبک برگزار می کنم) [بخاری، صحیح، ج ۱، ۱۳۹؛ زبیدی، مختصر صحیح البخاری، ۱۰۸؛ بلاغی، پیامبر رحمت، ۲۳].

در حدیث دیگری ضمن دلالت بر حضور کودکان در مساجد، چگونگی شرکت آنان در صفوف جماعت، بدین گونه بیان شده است: «عن جابر، عن ابی جعفر (ع) قال: سألته عن الصبیان اذا صفوا فی الصلوة المكتوبة، قال: لا تؤخر و هم عن الصلوة و فرقوا بینهم» (جابر نقل می کند که از امام باقر (ع) درباره کودکانی که در نماز واجب حضور می یابند پرسیدم. حضرت فرمودند: آنان را در آخر صفهای جماعت با هم نگذارید، بلکه جداگانه در بین بزرگسالان پراکنده سازید) [طباطبائی بروجردی، جامع احادیث الشیعة، ج ۶، ۴۵۹].

با توجه به احادیث و روایاتی که یادآور شدیم، اگر جمع بندی صحیحی به عمل نیاید، شاید این شبهه ایجاد شود که احادیث، مضمون نوعی تناقض گویی شده اند؛ در حالی که به هیچ وجه چنین نیست. صدور احادیثی از قبیل: «جنبوا مساجدکم مجانینکم وصبیانکم...»، نشان می دهد که این حدیث شریف، کودکانی را در نظر دارد، که در حرکات خود و در شیطنیت و شلوغ کاری، بسان دیوانگان عمل می نمایند و در صورت حضور در مسجد، موجب آلودگی یا ایجاد بی نظمی غیرمتعارف در مسجد می شوند. این احتمال هم وجود دارد که در جامعه آن روز با توجه به شرایط و عدم امکاناتی از قبیل پوشاک مناسب بچه، حضور کودکان چه بسا موجب آلودگی مسجد و حاضران در مسجد می شد.



مسجد جعفری، قیصریه تهران

در حوزه خدامحوری و علم مداری اسلامی، جایگاهی ندارد و با نص صریح دینی مغایر است.

این نکته را هم باید اضافه کرد که هیچ وقت، احتمال شلوغ کاری و شیطنت از جانب کودکان دور از انتظار نیست، و در صورت حضور در مساجد، در رفع آرامش آن مقداری دخیل خواهند بود. اما از باب: «الاهم فالاهم»، و نتیجه عادت پذیری کودک، باید آن را تحمل کرد، و در طراحی مساجد برای آنان نیز جایگاهی را متناسب با روحیه کودکی در نظر گرفت.

امروزه برای جلب و جذب کودکان و نوجوانان و حتی جوانان به مساجد، از باب: «وجوب مقدمه واجب»، باید ساخت مهد کودک، فضای سبز، و مجتمعی ورزشی، تفریحی و برنامه ریزی، از سوی متولیان مساجد پیش بینی شود. با توجه به فراگیر بودن امور فوق در زندگی روزمره کودکان و جوانان، باید مساجد را توسعه داد و متحول کرد.

ما امروز در دنیایی زندگی می کنیم که در بافت شهری آن، دیگر



از خانه باغها بویژه در طبقات پایین و متوسط جامعه - که طیف مسجدی را هم آنان تشکیل می دهند- خبری نیست. کودک و جوان در یک محاصره آپارتمانی و آپارتمان نمایی به دور از تفریحات لازم، محدود شده است. لذا، شوق بازی در فضای سبز زیبا و دلپذیر و «گلگشت در کنار آب نماهای مسجد» [مهاجرانی، روزنامه اطلاعات، ۱۳۷۷/۳/۲۸]، می تواند با بلندشدن نغمه دلکش اذان از مأذنه مساجد، جذب و اشتیاق آنان را نسبت به مسجد روی شعله ور کند. حتی چنین روشی، می تواند پدران و مادران را به سوی مسجد بکشاند؛ که این خود، از زمینه های «توفیق اجباری» است، و از راههای تحکیم پیوند خانه و مسجد به شمار می رود.

اساساً، معماری سنتی مساجد، بر چنین ساختاری دلپذیر و دلارایی استوار بوده است؛ به طوری که تاریخ می نویسد، میراث فرهنگی می نمایاند و حافظ شیرازی می سراید:

بده ساقی می باقی که در جنت نخواهی یافت

کنار آب رکناباد و گلگشت مصلی را متأسفانه، با وجود پیشرفتهای معماری و تحولات: اجتماعی، فرهنگی و صنعتی، به صراحت می توان ادعا کرد که مسجدهای امروزی، هیچ تناسبی با آنهمه تحولات نشان نمی دهند، و فاقد جاذبه های تبلیغی مطابق با زمان است.

مسجدسازی و مسجدداری در دنیای امروز، نیازمند دانش فنی و تخصص لازم خود است، که متأسفانه، تاکنون برنامه ریزی دقیقی

در این باره نشده است.

واقعیت این است، آن مقداری که به نقش اجتماعی و سیاسی مساجد در جریان انقلاب اسلامی باور کرده ایم، به همان میزان در گسترش جاذبه های تفریحی مساجد تلاش و کار نکرده ایم. «مسجد دانشگاه» بسیار ایجاد کرده ایم، ولی به فکر «دانشگاه مسجد» نیفتاده ایم. امروزه، احداث هرگونه ساختمانی، تابع یک سلسله اصول و ضوابط شهرسازی، و بر اساس نیازمندیهای تعریف شده کارشناسانه صورت می پذیرد. اما فقط در این میان، مسجد است که از هیچ اصول علمی، تربیتی و تبلیغاتی برخوردار نبوده، و تاکنون نیز در مورد طراحی کارشناسانه آن الگویی ارائه نشده است.

منابع:

۱. آمدی، تصنیف غررالحکم و دررالکلم، قم، دفتر تبلیغات اسلامی
۲. بخاری، صحیح بخاری
۳. بلاغی، صدر، پیامبر رحمت، تهران، انتشارات حسینیه ارشاد
۴. حجتی، محمدباقر، اسلام و تعلیم و تربیت، چاپ پانزدهم، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی
۵. داغ، محمد و دیگران، تاریخ تعلیم و تربیت در اسلام قرن ۶ - ۱ هجری، ترجمه علی اصغر کوشافر، تبریز، دانشگاه تبریز، ۱۳۶۹
۶. زبیدی، احمدبن عبداللطیف، مختصر صحیح البخاری، بیروت، دارالنفائس
۷. سعدی، گلستان
۸. شریف قرشی، باقر، زندگانی حسن بن علی(ع)، ترجمه فخرالدین حجازی، چاپ دوم
۹. طباطبائی بروجردی، حسین، جامع احادیث الشیعه، قم، ۱۳۶۹ ه. ق
۱۰. عاملی، زین الدین، الروضة البهیة، قم، مؤسسه اسماعیلیان، ۱۳۷۵
۱۱. عبدالباقی، محمد فؤاد، اللؤلؤ والمرجان، بیروت، دارالفکر
۱۲. فلسفی، محمدتقی، اخلاق، چاپ دوم، تهران
۱۳. قائمی امیری، علی، خانواده و تربیت کودک، تهران، انتشارات امیری
۱۴. کارل، الکسیس، راه و رسم زندگی، ترجمه پرویز دبیری، چاپ پنجم، اصفهان، نشر تأیید
۱۵. محمدی ری شهری، محمد، میزان الحکمة، چاپ اول، قم، دفتر تبلیغات اسلامی
۱۶. مطهری، مرتضی، گفتارهای معنوی
۱۷. مهاجرانی، عطاءالله، «نقدحال»، روزنامه اطلاعات، ۲۸ خرداد ۱۳۷۷
۱۸. ثوری، میرزا حسین، مستدرک الوسائل، چاپ جدید
۱۹. ویلیام، سی کرین، پیشگامان رشد، ترجمه فرید فدایی، تهران، اطلاعات، ۱۳۷۳
۲۰. هندی، حسام الدین، کتالعمال، بیروت، الشركة المتحدة للتوزيع



مسجد خاتم الاوصیاء، تهران